



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



حکومت
علوی،
الگوی
حکومت
مهدوی

حیدر علی میمنہ جہڑی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حکومت علوی، الگوی حکومت مهدوی

نویسنده:

حیدر علی میمنه جهرمی

ناشر چاپی:

موعود

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	حکومت علوی، الگوی حکومت مهدوی
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۸	اقدامات فکری و فرهنگی
۹	اقدامات اجرایی و حکومتی
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حکومت علوی، الگوی حکومت مهدوی

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۹-۲۶۷۷

سرشناسه: میمنه جهرمی حیدرعلی عنوان و نام پدیدآور: حکومت علوی الگوی حکومت مهدوی میمنه جهرمی حیدرعلی منشا مقاله:، موعود، ش ۱۸، (بهمن اسفند ۱۳۷۸): ص ۵۰ - ۵۶.

توصیفگر: حکومت اسلامی توصیفگر: محمدبن حسن عجم، امام دوازدهم توصیفگر: مهدویت

اشاره

شاید در اذهان بسیاری از مردم این پرسش مطرح باشد که امام مهدی، علیه السلام، چگونه حکومت خواهد کرد و نظام سیاسی - اداری که او برپا می کند چه ویژگیهایی خواهد داشت؟ در پاسخ این پرسش باید گفت که ویژگیهای حکومت مهدوی همان ویژگیهای حکومت علوی است؛ با این تفاوت که حکومت علوی تنها در گستره ای محدود از کره خاک و در مدت زمانی ناچیز برقرار شد و آن حضرت هم به دلیل درگیری در جنگهای داخلی، نتوانست به همه آنچه که در نظر داشت جامه عمل پوشد؛ اما امام مهدی، علیه السلام، با پیش گرفتن سیره جدش امیرالمؤمنان، علی، علیه السلام، تا آستانه برپایی قیامت از دالت برمی سازد و به همه اهداف خود دست می یابد. با توجه به فرارسیدن ماه شعبان، ماه تولد امام عدالت و ماه رمضان، ماه شهادت امام عدالت، بی مناسبت ندیدیم که برای آشنایی بیشتر خوانندگان عزیز موعود مروری داشته باشیم بر سیره حکومتی امام علی، علیه السلام، در مدت زمان محدود حکومت خویش. امید که مقبول افتد. با پیروزیهای بزرگ اعراب مسلمان در نقاط مختلف جهان، سیل اموال و درآمد به بیت المال سرازیر شد و در زمان خلیفه دوم، بر خلاف سنت پیامبرسبقت در اسلام یا شرکت در جنگهای صدر اسلام ملاک برتری در دریافت بیت المال شد. خلیفه هر چند بعداً از این تبعیض مالی اظهار پشیمانی کرد و سختگیریهایی به عمل آورد اما هرگز نتوانست اوضاع و احوال را به وضع پیشین بازگرداند. [۱]. عثمان در دوران زمامداری اش برخلاف وعده ای که هنگام قبول خلافت کرده بود نه به سنت پیامبر عمل کرد و نه سیره شیخین را مد نظر قرار داد، بلکه دست یاران و اقوام خویش را در تصاحب بیت المال باز نگه داشت و به بهانه صله رحم، اموال هنگفتی را به آنان اعطا کرد و همان تبعیضات دوران عمر را با شدت بیشتری گسترش داد و در نتیجه زمینداران و مالداران بزرگ پدید آمدند. خود وی خانه ای از سنگ و آهک بنا کرد که درهایش از چوب عاج و عرعر ساخته شده بود. وقتی کشته شد صد و پنجاه هزار دینار و یک میلیون درهم نقد از خود باقی گذاشت و ارزش املاکش در «وادی القری» و دیگر جاها بیش از صد هزار دینار برآورد شد. او اسب و شتران فراوان داشت [۲] گوه‌رهایی که دخترانش بر سینه می آویختند چون آفتاب می درخشید. [۳]. تمام خمس گرفته شده از افریقا را یکجا به مروان بخشید و فدک را به قطاع [۴] وی درآورد. همه غنایم افریقا - از طرابلس تا طنجه - را به عبدالله بن ابی سرح اهدا کرد. زید بن ارقم - کلید دار بیت المال در زمان عثمان - که از جایزه دویست هزار درهمی به ابوسفیان و رداخت یکصد هزار (درهم) به مروان با سفارش عثمان به خشم آمده بود. کلیدها را جلوعثمان گذارد و گریست. عثمان گفت: چون صله رحم کرده ام می گویی؟ گفت: نه اما گمان دارم این مالها رابه عوض انفاقهایی که در راه خدا، هنگام حیات رسول الله کردی برمی داری، اگر صد درهم به مروان می دادی باز هم زیاد بود (تا چه رسد به هزار درهم). عثمان گفت: پسر ارقم، کلیدها را بگذار و برو! فرد دیگری را مسئول بیت المال خواهم کرد [۵]. از عطا‌های بی حساب عثمان، زبیردارای چهار هزار دینار نقد، یک هزار اسب و یک هزار کنیز شده بود. طلحه املاک فراوان و خانه های مجلل داشت. عبدالرحمن بن عوف دارای هزار اسب، هزار شتر و ده هزار گوسفند بود و در اسکندریه، بصره و کوفه خانه های باشکوه بنا

کرده بود. [۶] امیرالمؤمنین که رابط میان مردم معترض و خلیفه بود، بادلسوزی تمام به وی پیشنهاد کرد جهت برآوردن خواسته های مردم سریعاً به حقوق از دست رفته آنان رسیدگی نماید و خطر قریب الوقوع را به وی یادآور شد. عثمان برای این امر مهلت خواست، حضرت در پاسخ فرمود: آنچه به مدینه مربوط است، در آن مهلتی نیست و آنچه بیرون از مدینه است مهلتش رسیدن دستور تو به آنهاست. [۷]. اما عثمان نخواست یا نتوانست به قول خود وفا کند و بدین ترتیب موجبات قتل خویش را فراهم آورد. وجود این تبعیضها، مساله ای زودگذر و موقتی نبود که با رفتن عثمان از میان برود بلکه در میان خواص جامعه آن روز به صورت یک فرهنگ و عادت درآمده بود. اطرافیان و وابستگان خلیفه به صرف همین وابستگی و قرابت، از مال و مقام بسیار برخوردار می شدند و با توجیحات هوس پسندانه آن را حق خود می شمردند و تحت عنوان صله رحم سوسوی وجدان خویش را نیز خاموش ساخته با خیال راحت اموال مردم را به غارت می بردند. امیرالمؤمنین، علیه السلام، در توصیف این دوران می فرماید: او (عثمان) همانند شتر پر خوار و شکم برآمده همی جز جمع آوری و خوردن بیت المال نداشت. او با همکاری بستگان پدری اش، همچون شتر گرسنه در بهار بر روی علف بیت المال افتاده به خوردن مشغول شدند اما کارشان به نتیجه نرسید. [۸] بعد از قتل عثمان، مردم برای بیعت با امام علی، علیه السلام، به در خانه او هجوم آوردند اما او بخوبی می دانست تغییر این فرهنگ و خارج ساختن این عادت زشت از سر بزرگان قوم کاری بس دشوار است و به یک عمل جراحی بزرگ نیاز دارد که پیکره سرطانی آن روز اجتماع تحمل آن را نخواهد داشت. ولی، به دلیل مسؤولیت الهی علما و حضور و اعلام آمادگی مردم برای تحقق این تحول اجتماعی، اصلاحات بزرگ خود را آغاز کرد و خطاب به مردم، اوضاع آن دوران را به دوران قبل از اسلام و عمل خویش را به اقدامات رسول خدا تشبیه کرد و از امتحانی سخت خبر داد [۹] و اصول خلل ناپذیر حکومت خود را اعلام نمود و تا آخر نیز بدان پای فشرد. امام، علیه السلام، دستور داد همه اسبها و شترها و اسلحه های موجود در خانه عثمان - جز سلاح و مرکب شخصی او - را به بیت المال بازگردانند. عمرو عاص چون از این ماجرا اطلاع یافت، در نامه ای به معاویه نوشت هر چه می خواهی بکن که پسر ابوطالب همه اموال تو را خواهد گرفت، آنچنانکه چوبی را پوست کنند. [۱۰]. امیرمؤمنان در دومین روز بیعت، برآستی هشدار داد، اموال و قطایعی را که عثمان، ناروا به دیگران بخشیده به بیت المال باز خواهد گردانند. هر چند با آن، زنانی را کابین بسته باشند و یا کنیزکان خریده باشند. [۱۱]. در دیدگاه علوی برتریهای معنوی، همچون تقوا و صحبت با رسول خدا هرگز ملاک برتریهای مادی و مالی قرار نگرفت و همگان به طور مساوی از بیت المال بهره مند شدند. به همین دلیل بسیاری از اشراف و رؤسای قبایل که اکنون خود را از حقشان! محروم می دیدند، امام عادل را رها کرده به سراغ معاویه رفتند. حضرت در یک درد دل خصوصی، با مالک اشتر، از اینکه مردم او را رها کرده اند، شکوه کرد. مالک علت آن را شدت عدالت او دانست و گفت: اکثر مردم به دنبال دنیا هستند، اگر بذل مال کنی اطرافت جمع می شوند. فرمود: نمی توانم بیش از حق به کسی بدهم. امید است که خداوند گروهی کوچک را بر گروهی بزرگ غلبه دهد. [۱۲]. جامعه آن روز هر چند از بیماریها و انحرافات متعددی رنج می برد اما دنیا طلبی و فساد مالی از همه آنها خطرناک تر بود و امیر مؤمنان همچون طیبی ماهر ابتدا به معالجه این آفت اهتمام ورزید. او دوست داشت همه انحرافات را از میان بردارد اما از بیم پراکندگی بیشتر مردم و توقف برنامه های اصلاحی، از وارد ساختن فشار بیشتر خودداری کرد. او آرزو داشت روزی بتواند همه سنتهای تعطیل شده رسول خدا، همچون تغییر مقام ابراهیم، حرمت متعین (عمره تمتع، نکاح تمتع)، غصب فدک و... را به حال اول خود بازگرداند [۱۳] اما همین اصلاحات نیز با مقاومت شدید روبرو شد و کوهی از مشکلات و کارشکنیها در مقابل حکومت عدل امام قرار داد که برداشتن آنها به صبری جمیل، برنامه ای دقیق و موعظه های مردی شفیق محتاج بود که بزرگمردی چون علی بن ابیطالب، علیه السلام، همه آنها را داشت. امام برای انجام این اصلاحات ابتدا از خود و اطرافیان آغاز کرد. کارگزاران امیرالمؤمنین وقتی می دیدند پیشوا و امامشان قبل از تعلیم دیگران به تعلیم نفس خویش اقدام نموده است [۱۴] و بر اطرافیان خود نیز همچون دیگران در اجرای قوانین و عدالت، نظارت دارد، برای خود عذر و بهانه ای نداشتند. آن حضرت معتقد

بود کسی که خود را به عدالت ملزم نمود و اولین تجربه عدالت را در کشور وجود خویش با بیرون راندن خواسته های دل نیازموند و در کار خیری که مردم را بدان دعوت می کند پیشی نگرفت [۱۵] قادر نخواهد بود دیگران را به کارهای نیک و عدالت وادار سازد. عدالت خواهی چنان با گوشت و خون امیر مؤمنان آمیخته بود که رسول خدا فرمود: او در راه اجرای احکام الهی سختگیر است. [۱۶]. او کاملاً آگاه بود که اگر شخص حاکم یا اطرافیانش اندکی از جاده عدالت و انصاف بیرون روند، زیردستان با شدت بیشتری حریم عدالت رامی شکنند. به قول سعدی: اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی بر آورند غلامان او درخت از بیخ به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد ز نند لشکریانش هزار مرغ به سیخاز اینرو چشمهای روشنتر از آفتابش همیشه بر اطرافیانش نظاره می کرد و به آنان اندک مجالی برای دور شدن از جاده عدالت نمی داد. آن حضرت در نامه ای به محمد بن ابوبکر، آنگاه که وی را به فرمانداری مصر فرستاد توصیه کرد که حتی در نگاه هایش به مردم عدالت داشته باشد. زیرا اگر حاکم میان نگاه کردن به بزرگان و اشراف جامعه با نگرستن به ضعفا و پا برهنگان تفاوت قائل شود، گروه اول به حمایت بی دلیل او طمع می کنند و دسته دوم از عدالت وی ناامید می شوند. [۱۷]. هشدار امیر مؤمنان به عقیل با آهن گداخته و سرزنش علی بن ابی رافع - متصدی بیت المال - به دلیل عاریت دادن یک گردنبند به دختر خلیفه و دستور بازگرداندن آن، در همین راستا قابل تفسیر است. آن حضرت برای آنکه نشان دهد برداشت نابجا از بیت المال، نوعی دزدی محسوب می شود به عقیل که درخواست مال بیشتری داشت فرمود: شبانه صندوق تاجران بازار را بشکن و بردار. عقیل اظهار داشت خواهان دزدی نیستم. فرمود: دزدی از یک نفر آسانتر است از سرقت از بیت المال است و خیانت به یک گروه سختتر از خیانت به یک فرد است. [۱۸]. روزی، در میان لباسهای مختلفی که به بیت المال رسیده بود، یک پالتوی کلاه دار از جنس خز، نظر امام حسن، علیه السلام، را به خود جلب کرد، اما حضرت از دادن آن خودداری کرده به عدالت تقسیم نمود و آن پالتو سهم جوانی همدانی شد و او چون شنید امام حسن بدان نظر داشته، به وی تقدیم کرد. [۱۹]. با مروری بر خطبه ها و نامه های امام امیر المؤمنین برنامه های نظارتی ایشان را برای تحت نظر گرفتن کارگزاران می توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش فکری، فرهنگی و بخش اجرایی، حکومتی.

اقدامات فکری و فرهنگی

امام امیر المؤمنین برای حفظ و ادامه سلامت کارگزارانش به مناسبتهای مختلف، جایگاه، وظایف و سرانجام انسان را برای آنان تبیین می نمود تا از گرفتار آمدنشان در دام غفلت بر حذر دارد. دامی که بیشترین صیدش صاحب منصبان و حاکمان اند. وی هنگام اعزام یکی از مدیران به محل مأموریت و یا در حین خدمت، طی نامه هایی آنان را به یاد نظارت خداوند بر اعمال بندگان و سختیهای قیامت می انداخت و نسبت به مسؤولیت الهی آنها بیدار باش می داد. در نامه ای به یکی از مالیات بگیران خود «او را به تقوا و ترس از خدا در امور پنهان فرمان می دهد، آنجا که غیر خدا هیچ شاهدی نیست.» [۲۰] و نیز می فرماید: در راه خدا آنچه بر شما واجب است انجام دهید که خداوند از ما و شما خواسته با کوششهای خود از اوسپاسگزاری کنیم. [۲۱]. شبیه چنین سفارشهایی در نامه به مالک اشتر و محمد بن ابی بکر [۲۲] نیز دیده می شود. و نیز به مالک سفارش فرمود: مبادا به بهانه اطاعت از فرمان دیگری، فرمان خدا را نادیده گیری. امیر المؤمنین حکومت و زمامداری را به عنوان امانت در دست کارگزاران معرفی می کرد که خیانت در آن و دست درازی به بیت المال، همسنگ خیانت به خون مسلمانان [۲۳] و نشانه عدم اعتقاد فرد خائن به قیامت است. [۲۴]. در نامه معروف به عثمان بن حنیف [۲۵] بعد از گله و شکایت از او و بیان زندگانی سراسر زهد خود، علت اینگونه سخت گیری بر نفس را ترس از روز هولناک قیامت می شمارد و کسانی را که به غذاهای تشریفاتی و نابودشدنی دنیا مشغول گشته اند به حیوانات پرواری تشبیه کرده است تا مخاطب را از خواب غفلت بیدار کند و در پایان به فرماندار خود می نویسد: پسر حنیف، از خدا بترس و به همان قرصهای نان اکتفا کن تا خلاصی تو از جهنم امکان پذیر گردد. [۲۶]. روش دیگر امام، علیه السلام، برای نظارت بر زمامداران از

طریق فکری، فرهنگی، توجه دادن آنها به عواقب شوم خیانت در همین دنیاست، اگر کسی به قبر و قیامت هم کاری نداشته باشد، باید بداند که «ستم، نامه عزل شاهان بود» مملکتی ممکن است به کفر بماند ولی به ظلم باقی نخواهد ماند، اگر زمامدار در پی کسب نام نیک در دنیاست، بایستی متوجه باشد همانگونه که امروزیان اعمال گذشتگان را نقد و بررسی کرده مورد قضاوت قرار می دهند، آیندگان نیز اعمال ما را خواهند سنجید. «مردم به کارهای تو - مالک - همانگونه نظر می کنند که تو درباره آنها می گفتی» [۲۷]

بسیاری از حیف و میلها در بیت المال بدان دلیل صورت می گیرد که حاکم می خواهد با دادن اموال همه مردم به گروهی خاص، آنان را در اطراف خود نگه دارد تا روز مبادا از او حکومتش دفاع کنند. البته بهره مندان از این اموال چند صباحی زبان به مدح و ثنای او خواهند گشود و در ظاهر موجب سرافرازی حاکم در دنیای گردند اما سنت خداوند بر این قرار گرفته است که سرانجام از سپاسگزاری آنان محروم می گردد و هنگام نیاز و لغزش بدترین رفیقان و ملامت کننده ترین دوستان باشند. [۲۸]. خدای تعالی با هیچ یک از بندگان خود بی دلیل نه سر خصومت و دشمنی دارد و نه با احدی پیمان قوم و خویشی و برادری بسته است، بلکه همه چیز بر اساس حکمت و قانون استوار گردیده و باطل در آن راه ندارد یکی از این حکمت‌های الهی هلاکت قوم ستمکار باهر نام و عنوان است. امیرمؤمنان در نامه ای به فرماندهان نظامی علت سقوط و هلاکت حکومت‌های گذشته را در دو مساله دیده است: یکی آنکه زورمندان آنها به گونه ای عمل می کردند که مردم مجبور شدند حقوقشان را از طریق رشوه و دیگر راه‌های ناصواب خریداری نمایند و دیگری سوق دادن مردم به سوی باطل از سوی حاکمان است. [۲۹]. شیوه دیگر امیرالمؤمنین برای دور ساختن زمامداران از ارتکاب خیانت، تحریک احساسات و غیرت آنها بود. در نامه ای به ابن عباس می نویسد. من در کارهای تو شریکم اگر زبانی برسانی به امام و پیشوای خود زیان رسانده ای. [۳۰] و در نامه ای احتمالاً به همین شخص برای آنکه او را از راه خطایی که رفته بود پشیمان کند، می فرماید: من تو را شریک در امانت - یعنی حکومت - قرار داده ام و از میان همه خاندانم به تو اعتماد کردم، حالا که اوضاع بر من سخت شده، تو هم مرا رها کرده ای؟! چطور مال حرام از گلویت پایین می رود.... [۳۱]. گاهی حضرت در سخنرانیهای عمومی نیز به مردم هشدار می داد که خداوند شما را به وسیله اموال می آزماید. روزی مولای متقیان در حال سخنرانی بود، مردی برخاست و از معنی فتنه و امتحان پرسید. امام پاسخ داد: وقتی آیه «الم احسب الناس ان یتروا، ان یقولوا آمنا و هم لایفتنون» نازل شد از رسول خدا پرسیدم مقصود از آزمایش و فتنه چیست؟ فرمود: یا علی! امت، بعد از من امتحان خواهند شد... این مردم پس از من با ثروتشان آزمایش می شوند، دیندار بودن را منتی بر خدا قرار می دهند... رشوه را به نام هدیه و ربا را به رسم تجارت حلال می شمارند... [۳۲].

اقدامات اجرایی و حکومتی

اقدامات فرهنگی و سفارش حاکمان و کارگزاران به یادآوری قیامت و نظارت خداوند هر چند ضروری و کارساز است، اما هرگز کافی نیست. بلکه در کنار آن بایستی اقدامات حکومتی و نظارتی نیز اعمال گردد. اقدامات امام امیرالمؤمنین در این خصوص عبارتند از: انتخاب اصلح برای مدیریتیکی از مهمترین وظایف حاکم اسلامی، انتخاب شایسته ترین افراد برای مدیریتهای مختلف کشور است. امیرالمؤمنین، مدیر جامعه را به قطب آسیا تشبیه کرده [۳۳] و تغییر آن را موجب تغییر اوضاع زمانه دانسته است [۳۴] در بسیاری موارد دین و اعتقاد مردم نیز اعتقاد مدیر آن جامعه می باشد چنانکه رسول خدا، صلی الله علیه و آله، در نامه های خود با امپراتور روم و پادشاه ایران، گناه مسلمان نشدن مردم را به عهده آنان دانست. رهبر جامعه اسلامی چنانکه به هر دلیل فردی را به مدیریت بخشی از کشورش برگزیند، در حالیکه می داند دیگری از او شایسته تر است، به فرمایش پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، به خدا و رسول خدا و همه مسلمانان خیانت کرده است. [۳۵]. رسول خدا جوانی بیست و چندساله به نام «عتاب بن اسید» را به فرمانداری مکه انتخاب کرد و به او فرمود: می دانی چه مقامی به تو داده ام؟ تو را فرماندار اهل الله، عز و جل، نموده ام و بعد

فرمود: لو اعلم لهم خيرا منك استعملته، عليهم اگر بهتر از تو سراغ داشتم او را بدین امر برمی‌گزیدم. [۳۶]. یکی از یاران پیامبر از وی مقام و منصبی خواست، حضرت دستی به شانه اش زد و فرمود: تو برای حکومت ضعیفی و آنکه از عهده بر نیاید، در آخرت خوار و پشیمان خواهد شد. [۳۷]. امام امیرالمؤمنین نیز در دوران زمامداری خود بدین امر مهم توجه کافی داشت، خود به انتخاب اصلح اقدام می‌کرد، مدیران ضعیف را معزول می‌نمود و به کارگزاران خود این امر را توصیه می‌فرمود.

پاورقی

- [۱] ر.ک: شهیدی، سیدجعفر، تاریخ تحلیلی اسلام.
- [۲] ر.ک: المسعودی مروج الذهب، ج ۱، جز ۲، ص ۳۳۲.
- [۳] ر.ک: علی، حماسه جاوید، ص ۴۵.
- [۴] «قطاع»، قطعه زمینی است که حاکم به فردی واگذار می‌کند و سود بسیار اندکی از او می‌گیرد اما از دادن مالیات معاف است. ر.ک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۶۹.
- [۵] ر.ک: ابن ابی الحدید، همان، ج ۱، ص ۱۹۸.
- [۶] ر.ک: علی حماسه جاوید، ص ۴۵.
- [۷] نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴.
- [۸] همان، خطبه ۲.
- [۹] همان، خطبه ۱۶.]
- [۱۰] ر.ک: ابن ابی الحدید، همان، ج ۱، ص ۹۰.
- [۱۱] ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۵.
- [۱۲] شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، همان، ج ۱، ص ۱۸۰.
- [۱۳] ر.ک: الکلینی، محمدبن یعقوب، الکافی روضه، ج ۱، ص ۸۵.
- [۱۴] ر.ک: نهج البلاغه، کلمات قصار ۷۳.
- [۱۵] ر.ک: همان، خطبه ۸۶.
- [۱۶] امام امیرالمؤمنین در زمان پیامبر مدتی به ولایت و جمع زکات و خراج یمن منصوب شد، بعضی از صحابه پیامبر که با او بودند خواستند بر شتر صدقه سوار شوند، امام علی، علیه السلام، اجازه نداد و فرمود: سهم شما به اندازه سهم دیگران است و عاملی را که در غیاب حضرت با این اشخاص مدارا کرده بود ملامت کرد. آنها از سختگیری علی، علیه السلام، به پیامبر شکایت بردند، پیامبر فرمود: از علی شکایت نکنید که برای خدا سختگیر است، حق با علی است و او به تنهایی ارزش یک سپاه در راه خدا را دارد.
- [۱۷] ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۲۷.
- [۱۸] المجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۱۴.
- [۱۹] ر.ک: همان، ص ۴۰۱.
- [۲۰] ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۲۶.
- [۲۱] همان، نامه ۵۱.
- [۲۲] ر.ک: همان، نامه ۲۷.
- [۲۳] ر.ک: همان، خطبه ۱۷۶.

[۲۴] ر.ک: همان، نامه ۴۱.

[۲۵] عثمان بن حنیف بن واهب بن الحکم بن ثعلبۀ بن الحارث الانصاری - در زمان حکومت عمر متصدی اخذ مالیات از بخشهایی از عراق بود - امیرالمؤمنین او را به ولایت بصره گماشت، طلحه و زبیر چون بر بصره تسلط یافتند بعد از شکنجه های زیاد، او را از بصره بیرون کردند، وی بعد از شهادت علی بن ابیطالب، علیه السلام، در کوفه ماند و در زمان معاویه از دنیا رفت (ابن ابی الحدید، همان، ج ۱۶، ص ۲۰۵) عثمان از صحابه رسول خدا بود و در جنگ احد شرکت داشت.

[۲۶] ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۴۵.

[۲۷] همان، نامه ۵۳.

[۲۸] همان، خطبه ۱۲۶.

[۲۹] ر.ک: همان، نامه ۷۹.

[۳۰] ابن ابی الحدید، همان، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

[۳۱] نهج البلاغه، نامه ۴۱.

[۳۲] همان، خطبه ۱۵۶.

[۳۳] ر.ک: همان، خطبه ۳.

[۳۴] ر.ک: همان، نامه ۳۱.

[۳۵] البیهقی، سنن، ج ۱۰، ص ۱۱.

[۳۶] اسد الغابه، ج ۳، ص ۳۵۸.

[۳۷] مدیریت و فرماندهی در اسلام، ص ۱۵۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

